

یکی از بنیادی‌ترین اندیشه‌های فلسفی ایرانی، باور به نبرد همیشگی میان خوبی و بدی است. ایرانیان همواره خواهان جهانی‌یاد و آرام به دور از بداندیشی بوده‌اند و این آرزو را در آیین‌ها، جشن‌ها، استوره‌ها، چکامه‌ها و نگرش‌های دینی خود دنبال کرده‌اند. چنان‌که سخن خردمندانه گفتار، کردار و اندیشه نیک بر همین پایه از دل این فرهنگ برخاسته است.

بی‌گمان جان‌مایه جشن تیرگان را باید در همین راستا یعنی شکستش میان نیکی و اهریمن و شادمانی رهایی و ماندگاری ایران زمین از گزند اهریمنان و بدخواهانی چون آپوش دیو خشکسالی و افراسیاب تورانی نماد تیره‌روزی و ویرانگری جستجو کرد.

واژه تیر، نیز بخشی از پیکره نمادین این جشن به‌شمار می‌آید چه آن‌جا که یزد باران و باران خواهی است و چه آن هنگام که ابزاری برای گسترش مرزهای ایران به کار رفته است.

به گواه تاریخ، ایران از دیرباز سرزمینی خشک و کم آب بوده است چنان‌که داریوش بزرگ هخامنشی در سنگ‌نبشته خویش در تخت جمشید از خداوند می‌خواهد ایران را از گزند دشمن، دروغ و خشکسالی در پناه خود داشته باشد. همچنین چون مردم ایران بیشتر کشاورزی می‌کردند، همواره دست به آسمان داشته و نگاهشان بر زمین بوده است. از این‌رو در گذر روزگار به خوبی دریافته‌ند که چگونگی از آب بهترین بهره را ببرند. کندن کاریز، ساختن سد، آب انبار و برپایی جشن‌هایی هم‌چون خردادگان، آبانگان و تیرگان در بزرگداشت آب، بخشی از تلاش نیاکان ما در پاسداری از این داده اهورایی بوده است.

پس تیرگان را باید جشنن باران‌خواهی دانست، زیرا در فرهنگ ایرانیان تیر یا تیشتر، که در ادبیات پارسی با نام‌هایی چون «ششابهنگ»، «وراهنگ»، «ستاره خنگ» و «ستاره سحری» شناخته شده، ستاره باران و یزدن ترسالی است که هرگاه در آسمان به درخشد مزده باران می‌دهد، او سرور همه ستارگان است که هیچ پری و جادویی نمی‌تواند بدان آسیب برساند. این واژه که در اوستا به‌گونه «تیشتربه» و در زبان پهلوی «تیشتر» آمده به باور ایرانیان، در ریخت اسبی سپید یا گوش‌ها و لگام زرین در سیزده تیر پس از سه ده شب نبرد، آپوش دیو خشکسالی که به گونه اسب سیاه نمایان شده را شکست داده، باران زایی آغاز می‌گردد.

افزون بر کار کردن باران‌زایی تیرگان، چرایی پیدایش این جشن را باید در داستان آرش کمانگیر نیز بررسی کرد، آن‌جا که منوچهر پیشدادی پادشاه ایران از سسپایان افراسیاب تورانی شکست خورده، دآوری میان دو کشور و گسترده‌گی مرزهای آنان به پرتاب تیری سپرده می‌شود. چنان‌که ابوسعید گردیزی در رویه ۵۱۸ کتاب تاریخ گردیزی می‌گوید: «و تیرگان سپیدهم ماه تیر موافق ماه است. و این آن روز بود که آرش تیر انداخت اندر آن وقت که میان منوچهر و افراسیاب صلح افتاد، و منوچهر را گفت: هر جا که تیر تو برسد از آن تو باشد.»

آرش کمان گیر که به او شویاتیر نیز می‌گویند برای پرتاب تیر برگزیده می‌شود، او به‌درستی می‌داند پهناوری کشورش، کین‌خواهی خسون هم‌زمانش و سربلندی همه‌یمنانش

# تیرگان؛ جشن پیروزی بر اهریمن

اشکان زارعی



# جشن تیرگان فرخنده باد

تیر برو، باد بیاد، غم برو، شادی بیاد، محنت برو، روزی بیاد، خوشه مروری بیاد.

اگرچه بن‌مایه جشن تیرگان و دیگر جشن‌های ایرانی استوره است اما نباید آن‌ها را با پندار و گمان (تخیل و وهم) یکی دانست. زیرا از نظر کارل گوستاو یونگ «استوره تنها محصول تخیل نیستند، بلکه خاطرات ضمیر ناخودآگاه بشر هستند.

اسینسر نیز می‌گوید: «استوره ییادی از رویدادها و قهرمان‌های تاریخی است که در گذشته میزیسته و از خود در خاطر آیدنگان یادگاری خوش یا ناخوش بجا گذاشته‌اند.» به زبانی دیگر استوره اوج خرد ایرانی است که بیشش او را به خداوند، هستی و انسان نمایان می‌سازد. یکی دیگر از شوندهای برپایی جشن تیرگان در پیوند با گاهشماری ایران پیش از اسلام است. زیرا در سالنمای ایرانیان، دوازده ماه سال، ماه‌هایی چون «فرموشی»، «آرتاوهیشتا»، «خرذات»، «تیشتر»، «لمرات»، «شهریور»، «میتر»، «آبان»، «آتور»، «دزو»، «وهومن» و «سپندارم» را بر خود داشتند. س‌ی‌روز ماه نیز دارای سسی نام بودند که با «ورمزد» آغاز شده و با «تیران» به پایان می‌رسید.

چون نام دوازده‌گانه ماه‌های سال در میان نام روزها بود، بدین‌سان در ه‌رماه یک روز نام‌ها و نام روز برابر می‌گشت

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

تیرگان

که آن را ایرانیان جشن می‌گرفتند. تیرگان نیز در جرگه همین جشن‌ها است، که در پی برابری نام روز و نام ماه در سیزده تیرماه برگزار می‌شد، اما اینک برپایه گاهشماری زرتشتی دهم ارج گزارده می‌شود.

تیرگان در هزارتوی گذشته این سرزمین از دریای مازندران تا دریای پارس و از خاور تا باختر با نام‌های گوناگونی چون «آب تیر ماهی»، «سبزه شو»، «سبزه تیر» و «تیرو جشن»، «هلهله کوسه»، «کلل کوسه»، «چمچمه گلیون»، «عروسی قنات» و «عروسی باران» برگزار می‌شده است.

هم‌چنین به باور پژوهشگران، جشن آب پاشان «واردوار» در میان هم‌میهنان ارمنی و جشن «وسردایل» در نزد ایرانیان آشوری برگرفته از جشن تیرگان است. جشن گلاب‌پاشی نیز که در میان مسلمانان شبه قاره هند در تیر ماه انجام می‌گیرد، گونه دیگر از جشن تیرگان است که از روزگار غزنویان به آن سرزمین رفته است. در گستره قفقاز و فرارود (ماورالنهر) مانند تاجیکستان نیز این آیین گرمای داشته می‌شود.

بزرگداشت جشن تیرگان در میان تیره‌های ایرانی، ایرانی‌تباران و فارسی‌زبانان آن سوی مرزها، نشان از پویایی اندیشه ایران‌شهری و جاودانگی ایران فرهنگی دارد.

تیرگان را باید بزرگداشت پیروزی بر اهریمن دانست زیرا روز رهایی ایران از خشکسالی و ماندگاری این سرزمین در برابر یورش ایرانیان است. تیرگان و همه جشن‌های ایرانی بر دناایی نیاکانمان گواهی می‌دهند زیرا در آیین‌های بی‌شمار، افزون بر شادمانی، باهم بودن، نکوداشت بزرگ‌تراها، پاسداری از زیست‌بوم و از همه برجسته‌تر خدا پرستی را می‌آموختند. از چند دهه گذشته برخی کوشیده‌اند جشن‌های ایرانی را در سنتیز با اسلام نشان دهند، در حالی که سرشت فرهنگ و اندیشه ایرانیان باستان یکنپارستی بوده، بنیان جشن‌های آنان نیز با نگرش اسلام سازگاری دارد. چنان‌که شونند (دلیل) برجسته برگزاری جشن تیرگان جایگاه ارزنده آب در زندگی آدمی است که همین جستار (موضوع) در قرآن ۶۳ بار در سوره‌هایی هم‌چون «نحل آیه ۱۰»، «سوره انعام آیه۹۹» و «سوره طه آیه ۵۲ و ۵۴» یادآوری شده است.

اکنون که کشور ما با دشواری‌های گوناگون زیست محیطی روبرو است و هم‌چنین شوربختانه هازمان (جامعه) ایرانی را ناپهنجاری‌های رفقاری پرشماری فرا گرفته، بایسته است تیرگان و همه جشن‌های ایران باستان را ارج گزاریم تا از یک‌سوی پیامد کاستی‌ها و گرفتاری‌های پیش گفته کاهش یافته و از سوی دیگر، رمز پایداری ایران، رمز ماندگاری فرهنگ ایرانی و راز تلاش مردم ایران برای دست‌یابی به آرمان‌های انسانی و ارزش‌های اخلاقی بر ما آشکار شود.

**یاری‌نامه:**

گاهشماری و جشن‌های ایران باستان، هاشم رضی آیین‌ها و جشن‌های کهنم در ایران امروز، محمود روح‌الامینی

اسطیر و فرهنگ ایران، رحیم عفیفی

از اسطوره تا تاریخ، مهرداد بهار جشن‌های ایرانی، عسگر بهرامی

#### شاهین فرهت:

## تکنیک جوانان ایرانی در موسیقی حیرت‌انگیز است

است.وی به‌عنوان یکی از آهنگسازان سرشناس موسیقی کلاسیک در ایران، آثار متعددی را بر اساس فرم‌های رایج در موسیقی غرب مانند: سمفونی، کنسرتو، سوئیت، کانتاتا، پرلود، فوک، پوئم سمفونیک، راپسودی و دیگر شیوه‌های مرسوم، مرسوم خلق کرده که غالباً به فضای موسیقی دوران رمانتیک نزدیک است و در عین‌حال از تأثیر نغمه‌های موسیقی ایرانی نیز بی‌بهره نبوده‌است.

فرهت از سال ۱۳۵۵، در گروه آموزشی موسیقی دانشگاه تهران تدریس می‌کند، همچنین وی در سال ۱۳۶۱، یک مؤسسه فرهنگی تأسیس کرد که مجموعه آشنایی با موسیقی کلاسیک غرب به نویسنده‌گی خودش، از جمله آثار این مؤسسه است.

وی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ به همراه برادرش علی، از طریق این مؤسسه، حدود ۲۰۰ عنوان نوار کاست از آثار موسیقی کلاسیک را تولید، تکثیر و پخش کرد. وی در سال ۱۳۶۷ از دانشگاه تهران مرخصی گرفت و به همراه مادرش به سوئد، محل اقامت برادرش رفت. وی در آن کشور، زبان سوئدی آموخت و به تدریس هارمونی و آهنگسازی پرداخت. هم‌چنین در دوره‌ای، مدرس موسیقی ایرانی در سوئد بود. فرهت نخستین موسیقی‌دان ایرانی است که وی استاد «آکادمی موسیقی سوئد» در رشته آهنگسازی است.

فرهت تاکنون حدود یکصد اثر موسیقی در فرم‌های مختلف ساخته‌است که شامل سمفونی‌ها، کوارتت‌ها و کنسرتوها و چند قطعه دیگر است. او در دی ۱۳۹۷، آثار موسیقی خود را به موزه موسیقی عمیقی که همه دارند (هم آثار بزرگان و هم تاریخچه‌های که هر کشوری دارد) بازمی‌گردد؛ در تاریخ موسیقی همیشه فراز و فرود بوده است منتهی در ژانر و زمان خودش. به گزارش ایرنا، شاهین فرهت (۱۳۲۶) آهنگساز، موسیقی‌دان و مدرس موسیقی ایرانی



همزمان در آن ضبط شده است که این کار باعث درست نشنیدن کلام می‌شود و به همین دلیل فیلم بر از تکرار فیلم پرداختند. یورمحمدرضا و محسن آرزو به نقد این کار است.

چهل سال بعد هم جدایی نادر از سیمین متأثر از همین فیلم ساخته می‌شود و در آن فیلم هم درباره شنیدن یا نشنیدن یک موضوع بحث وجود دارد. اگر می‌خواهیم از رالیسم کلاسیستی صحبت کنیم باید توجه داشته باشیم که این یک رالیسم خودآگاه است.

تکه

**مجسمه فردوسی را نیمه‌کاره شستند!**



اخیرا یکی از مجسمه‌سازان مطلبی را در فضای مجازی منتشر کرد که محتوای آن، از شست‌وشوی نیمه‌کاره مجسمه میدان فردوسی و دورنگ شدن این مجسمه ۶۳ ساله خبر می‌داد. خبرنگار تجسمی ایسنا به میدان فردوسی رفت تا از صحت‌وسقم ماجرا مطلع شود و در نهایت آنچه مشاهده شد، بدین شرح است: اثر گزنه‌ها و ارزشمنند ابوالحسن صدیقی – نقاش و مجسمه‌ساز مشهور ایرانی – که یکی از المان‌های مطرح شهر تهران به‌شمار می‌آید، دو رنگ شده و به صورت تیره و روشن درآمده است! اکنون به نظر می‌رسد مسوولان وقت سازمان زیباسازی شهر تهران که سالانه برنامه‌های مرمتی و شست‌وشوی آثار شهری را در برنامه کاری خود دارد، تنها به تمیز کردن بخشی از مجسمه فردوسی بسنده کرده‌اند و با گذشت یک سال، شست‌وشوی مجسمه به‌طور کامل انجام نشده است. البته این احتمال هم وجود دارد که در حین عملیات مرمت و شستشو متوجه تغییر فاحش رنگ مجسمه شده‌اند و برای برهیز از ادامه این روند و مخدوش نشدن بیشتر اثر، کار را متوقف کرده‌اند.

در همین راستا تصمیم گرفتیم در ابتدا گفت‌وویی با مجید قادری – معاون فرهنگی و هنرهای شهری سازمان زیباسازی شهر تهران – درباره علت این امر و برنامه این سازمان در راستای شست‌وشوی کامل مجسمه فردوسی داشته باشیم.

او به ایسنا پاسخ داد: درباره این مورد خاص حضور ذهن کافی ندارم، ولی در سازمان زیباسازی تهران، برای مرمت، شست‌وشو و جا به جایی آثار شهری، برنامه مرمتی مستمر داریم و به ندرت چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد، چون یا یک اثر اثر مرمت و تمیز نمی‌کنیم و یا به‌طور کامل کار را انجام می‌دهیم. اگر هم این اتفاق افتاده باشد به خاطر تغییر مدیریت و کوتاهی پیمانکار است. ولی به هر حال پس از بررسی لازم، شست‌وشو و حفظ این اثر را در اولویت قرار خواهیم داد.

پس از توضیحات این مقام مسوول، صحبتی هم با مهدی سبحانی – مدیر اداره آثار حجمی سازمان زیباسازی تهران – که به تازگی به این سمت منصوب شده است، داشتیم. او نیز گفت: یکی از بحث‌های اداره آثار حجمی، مرمت آثار و ساماندهی المان‌های حجمی است و کار مطالعاتی آن در حال انجام است. باید دید برنامه‌ای که متناوبن مجسمه‌ساز قرار است تنظیم کنند، به چه صورت خواهد بود که برای این مجسمه هم برنامه ریزی شود؛ چون این یک کار کارشناسی است. ولی شست‌وشوی صحیح این اثر در برنامه کاری‌مان قرار می‌گیرد.

پس از گفت‌وگو با قادری و سبحانی، پای صحبت بیژن غنچه‌پور، هنرمند مجسمه ساز نشتیم که در ابتدا این اتفاق توسط خود او مطرح شده بود. غنچه‌پور به ایسنا گفت: ابتدا باید بگویم از جزئیات این طرح مرمت، اینکه چه زمانی اتفاق افتاده، مجری چه کسانی بوده‌اند و مرمت به شیوه شست‌وشو بوده یا روش‌های دیگر، چیزی نمی‌دانم؛ بلکه صرفا به عنوان مجسمه‌ساز می‌گویم که وضعیت حال حاضر مجسمه دست بردن به ایده سازنده و مخدوش کردن تصویر آن است.

او توضیح می‌دهد، مجسمه‌ساز هنگام ساخت احجام مجسمه‌اش، تیره و روشنی‌ها و خاکستری‌های مجسمه را کنترل می‌کند. حال اگر بروسه مرمت باعث به هم ریختن این خاکستری‌ها شود و بخش‌هایی از مجسمه به‌طور گزینشی لایه‌برداری نشود، همین‌طور که برای مجسمه فردوسی رخ داده، عملا طراحی و ایده مجسمه‌ساز نادیده گرفته شده است.

غنچه‌پور همچنین درباره توضیح قادری که گفته بود ممکن است علت این امر تغییر مدیریت باشد، بیان کرد: متأسفانه گاهی مدیران ما متوجه نیستند که به چه چیز برتن طرح‌ها و ایده‌های خود، وظیفه دارند طرح‌های نیمه تمام مدیران پیش از خود را نیز به اتمام برسانند. در سال‌های اخیر چندین بار رسا و معاونان سازمان زیباسازی جا‌به‌جا شدند که متأسفانه هیچ یک نه تنها با حوزه هنر آشنا نبودند، بلکه اعتقادی هم به مشورت با متخصصان نداشتند که این امر خسارت‌های بسیاری به حوزه شهری به ویژه مجسمه‌سازان زد. او ادامه داد: طرح‌ها و قراردادهای زیادی که در ادوار پیش تا مراحل مختلفی ساخته شده‌اند، همچنان بلا تکلیف مانده‌اند. قراردادهای مجسمه‌سازان مسکوت مانده و دوسالانه مجسمه‌های شهری چندین سال است که برگزار نشده است.

حتی دهمین سمپوزیوم مجسمه سازی تهران که بین المللی هم بوده علیرغم اعلام فراخوان و انتخاب آثار و هنرمندان و حتی خرید سنگ‌ها معلق مانده است که این امر هم خسارت به بیت المال و تضییع حقوق شهروندی و هم آسیب به هنرمندان منتخب در سمپوزیوم است.

این هنرمند در پایان درباره این نوع مرمت‌ها گفت: من متخصص حوزه مرمت نیستم و نظر تخصصی ندارم اما می‌دانم مرمتکاران هنگام مرمت باید به تصویری که خالق اثر خلق کرده وفادار باشند و تغییری در اصل آن به وجود نیآورند. در شرایط فضای باز که گرد و غبار و آلودگی باعث می‌شود مجسمه به مرور زمان تیره شود، در صورت اقدام برای شست‌وشو یا لایه برداری، این عمل باید به‌طور یکدست و هماهنگ در سرتاسر مجسمه رخ دهد تا شاهد چنین اتفاقی برای یک اثر ملی و ارزشمند نباشیم.

سینما

**گیشه سرد سینماها در روزهای داغ تیر ماه**

سه فیلم سینمایی اکران شده از ابتدای تابستان حدود ۲۱ هزار نفر مخاطب را در چند روز گذشته به سینما جذب کردند. به گزارش ایسنا، در روزهایی که برخی صاحبان فیلم‌ها و سینماها برای افزایش مخاطب و میزان فروش فیلم‌های روی پرده قیمت بلیت سینماها را شاور کرده‌اند، عده زیادی بر این باورند که قیمت بلیت، تنها و اصلی‌ترین دلیل نرفتم مردم به سینما نیست و باید فیلم‌های مخاطب پسندی که تضمین بیشتری برای فروش آن‌ها وجود دارد اکران شوند. با این حال از فهرست بلندبالای فیلم‌های پشت خط اکران، سه فیلم جدید از اواخر خردادماه راهی سینماها شدند که با وجود برنامه‌ریزی برای اکران‌های مرمتی با حضور بازیگران و خواننده‌ها اتفاق چندان ویژه‌ای در افزایش تعداد مخاطبان سینما رخ نداده است. البته شش‌روز صنفی نمایش که پس از چند ماه با اعضای جدید دوباره تشکیل جلسه داده، هفته قبل در خواست جلسه‌ای اضطراری با شورای راهبردی اکران را داشت که باید دید نتیجه رهاکار نمایندگان صنف و مدیران سینمایی به کجا می‌رسد. با این حال براساس آمار منتشر شده در سامانه مدیریت فروش و اکران (سماف) فیلم‌های فروش سال تاکنون «انفرادی»، «سگ‌بند» و «موقعیت مهدی» هستند که روی هم یک میلیون ۷۲۰ هزار آن‌ها را در سینما تماشا کرده‌اند. در چند وقت اخیر هم فیلم‌های جدیدی به چرخه بازنمایش اضافه شده‌اند از جمله، «روز ششم» به کارگردانی حجت قاسم‌زاده اصل با بازی مصطفی زمانی، امیر جعفری، مه‌ران احمدی، جمشید هاشم‌پور و بهاره افشاری که در تاریخ روز جمعه دهم تیرماه با حدود ۸۹۰۰ تماشاگر ۲۰۰ میلیون تومان بلیت فروخته است. «طلاخون» به کارگردانی ابراهیم شبیبانی نیز که از اول تابستان اکران شده، با نزدیک به ۱۰ هزار نفر تماشاگر تاکنون حدود ۳۴۰ میلیون تومان بلیت فروخته است. در این فیلم شهاب حسینی، حسام مقدم و زری خوشکام بازی کرده‌اند.

از روز چهارشنبه هشتم تیر هم فیلم «آلاوا» به کارگردانی ارسلان امیری با بازی نوید پورفرج، هدی زین‌العابدین و پوریا رحیمی‌سام پس از حضور در چند جشنواره خارجی راهی اکران شد و در این مدت حدود سه هزار بلیت با رقم کلی ۱۲۵ میلیون تومان فروخته است. به‌جز این فیلم‌ها از اواخر خرداد «بی‌صدا حلازون» به کارگردانی بهرنگ ذرفولی‌زاده روی پرده رفت که تاکنون ۱۱ هزار ۸۰۰ تماشاگر ۴۰۰ میلیون تومان فروش داشته است. «بدون قرار قبلی» به کارگردانی بهروز شعبانی نیز از ۱۸ خرداد تاکنون بیش از ۵۵ هزار نفر مخاطب داشته و حدود یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان هم بلیت فروخته است. «هناس» ساخته حسین درابی بیش از ۷۵ هزار نفر تماشاگر داشته و نزدیک دو میلیارد تومان هم فروش داشته است. فیلم کمدی «قره داغ» به کارگردانی محسن آقاخان با ۲۵ هزار نفر مخاطب، اندکی بیش از ۷۰۰ میلیون تومان بلیت فروخته است. فیلم «حلف زار» به کارگردانی کاظم دانشی هم فروش بیش از ۲۵۲ تا ۷۵۴ هزار نفر تماشاگر به رقم فروش هشت میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان رسیده است. «نفر کراسی در روز روشن» علی عطشانی نیز با ۳۳۰۰ نفر مخاطب از ابتدای خردادماه حدود ۱۱۰ میلیون تومان فروش داشته است. در بین فیلم‌های روی پرده دو فیلم مرتبط با کودک و نوجوان هم هستند که تعداد کم سانس‌ها و سینماهای آن‌ها قابل توجه است چرا که دسترسی مخاطبی که قصد تماشای این فیلم را دارد، محدود می‌کند.

<sup>[1]</sup> به گزارش ایرنا، شاهین فرهت (۱۳۲۶) آهنگساز، موسیقی‌دان و مدرس موسیقی ایرانی